

درگفت و گو با دکتر سید سعید هاشمی مطرح شد:

واکاوی چالش‌های اشتغال و بحران فرهنگ کار در دانش‌آموختگان گردشگری



صنعت گردشگری در مقیاس بین‌المللی همواره به عنوان موتور محرک اشتغال‌زایی خرد و کلان، ابزار بازتوزیع ثروت و راهبردی مطمئن برای تنوع‌بخشی به درآمدهای ارزی شناخته می‌شود. با این حال، در مختصات اقتصادی و ساختاری ایران، این صنعت طی سال‌های گذشته تحت تأثیر مؤلفه‌های چندگانه اقتصادی، ژئوپلیتیکی، بحران‌های بین‌المللی و نیز تغییر پارادایم‌های دیجیتال، تحولات و تلاطم‌های بی‌سابقه‌ای را پشت سر گذاشته است. از سوی دیگر، شکاف بنیادین میان سرفصل‌های دانشگاهی با نیازهای عینی بازار کار، کاهش گردشگران ورودی، افت قدرت خرید جامعه در سبب سفر داخلی و تغییر نگرش نسل جوان نسبت به فرهنگ کار، چالش‌هایی چندبعدی را پیش روی صاحب‌نظران قرار داده است.

به مناسبت «روز جهانی گردشگری»، درگفت‌وگویی تفصیلی با دکتر سعید هاشمی، عضو هیئت علمی دانشگاه علم و فرهنگ، به بررسی سیر تکوین آموزش آکادمیک این رشته، تأثیر زنجیره‌ای بحران‌های چند سال اخیر بر اشتغال جوانان و بایسته‌های بازآفرینی رابطه دانشگاه و صنعت پرداختیم.

تکوین آکادمیک گردشگری در ایران؛ از حاشیه به متن تحصیلات تکمیلی

هاشمی در مطلع این گفت‌وگو، با نگاهی به پیشینه دانشگاهی صنعت هتلداری و گردشگری در ایران اظهار داشت: اگر بخواهیم تصویری دقیق از وضعیت کنونی آموزش عالی در حوزه گردشگری ترسیم کنیم، ناگزیر از بازخوانی تاریخچه ورود این حوزه به نظام آکادمیک کشور هستیم. پیش از انقلاب اسلامی، عمده تمرکز بر مدارس حرفه‌ای هتلداری و گردشگری متمرکز بود؛ اما با وقوع جنگ تحمیلی و طی کل دهه ۶۰، به دلیل اولویت‌های ویژه دفاعی و امنیتی کشور، سرمایه‌گذاری آموزشی در این حوزه با وقفه مواجه شد.

وی افزود: از اوایل دهه ۱۳۷۰ شمسی، آرام‌آرام رشته‌های مرتبط با گردشگری به محیط دانشگاه‌های دولتی راه یافتند. در این میان، دانشگاه علامه طباطبایی پیشگام رسمی ورود به این عرصه شد و دانشگاه تهران نیز اگرچه با تمرکز بر گرایش‌های جغرافیایی، این مفاهیم را وارد دیپارتمان‌های علمی خود کرد. با این حال، در سراسر دهه‌های ۷۰ و ۸۰ هنوز گردشگری در جایگاه یک دانش راهبردی و مستقل در مقاطع تحصیلات تکمیلی تلقی نمی‌شد و عمدتاً دوره‌های مهارتی کوتاه‌مدت توسط بخش خصوصی بار توسعه سرمایه انسانی را به دوش می‌کشید.

عضو هیئت علمی دانشگاه علم و فرهنگ با تأکید بر تحول بنیادین در آغاز دهه ۱۳۹۰ تصریح کرد: از اواخر دهه ۸۰ و به‌ویژه اوایل دهه ۹۰، به موازات احساس نیاز مبرم کشور به کادر مدیریتی و کارشناسی، نقطه عطفی در حوزه آموزش شکل گرفت. در همین مقطع، دانشگاه علم و فرهنگ با تأسیس رشته‌های کارشناسی ارشد و دکتری و راه‌اندازی نخستین مرکز دانشگاهی تخصصی گردشگری، جریانی نوین را در آموزش عالی پایه‌گذاری کرد؛ به‌طوری‌که دوره‌های تکمیلی حتی پیش از دانشگاه‌های بزرگ دولتی در این مجموعه کلید خورد و سایر دانشگاه‌ها در سال‌های پس از آن، دوره‌های دکترای گردشگری را فعال کردند.

چالش تمرکزگرایی در تدوین سرفصل‌ها و ضرورت شتاب‌بخشی به بازنگری‌ها

هاشمی با ارزیابی مثبت از فرآیند بازنگری سرفصل‌ها در مقایسه با رشته‌های علوم انسانی سنتی، به محدودیت‌های

برای فارغ‌التحصیلان، تورلیدرها و مجریان تور را از بین برده است. از طرفی دیگر، شرایط سخت اقتصادی و تورم باعث شده خانواده‌های ایرانی سفر را از سبب هزینه‌های خود خارج یا بسیار محدود کنند؛ موضوعی که گردشگری داخلی را نیز به رکود کشانده است و متأسفانه سیاست‌گذاری حاکمیتی در مدیریت این بحران‌ها عملکرد منسجم و حمایت‌گرانه‌ای نداشته است.

زلزله فناوری در دفاتر مسافرتی؛ بقای اکوسیستم‌های دیجیتال

عضو هیئت علمی دانشگاه علم و فرهنگ با تأکید بر ضرورت تحلیل هم‌زمان فناوری‌های نوظهور در کنار بحران‌های اقتصادی یادآور شد: مسئله اشتغال صرفاً وابسته به بحران‌های ژئوپلیتیک نبوده، بلکه انقلاب فناوری نیز زمین بازی را تغییر داده است. دفاتر سنتی خدمات مسافرتی دیگر نمی‌توانند انتظار داشته باشند مشتریان برای تهیه بلیت یا برنامه‌ریزی سفر به دفاتر فیزیکی مراجعه کنند.

وی تصریح کرد: در این میان، مجموعه‌هایی که سریعاً به پلتفرم‌های الکترونیک، خدمات ابری و بسترهای دیجیتال مجهز شدند، سهم بازار را در دست گرفتند؛ اما به موازات این پیشرفت فناوریانه، دهه‌ها ژانرس سنتی مسافرتی ناگزیر به تعدیل نیرو، تقلیل فعالیت یا تعطیلی کامل شدند که نتیجه آن، ریزش شمار زیادی از نیروهای شاغل در بخش خدمات گردشگری بود.

مثلث هم‌افزایی و مسئولیت حاکمیتی در ارتقای «سواد گردشگری»

هاشمی در پاسخ به این سؤال که ارکان متولی برای اتصال آموزش به بازار کار چه گام‌های فوری باید بردارند، مدل هم‌افزایی سه‌ضلعی را پیشنهاد کرد و گفت: نخستین ضرورت، تحرک جدی دیپلماسی حاکمیتی و وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی است.

ما نیازمند توسعه تفاهم‌نامه‌های بین‌المللی پایدار با کشورهای دوست و هم‌پیمان هستیم تا ترافیک ورودی احیا شود. اما در ساحت ملی و داخلی، هم‌افزایی هم‌زمان میان «وزارت علوم»، «وزارت میراث فرهنگی» و «تشکل‌های بخش خصوصی» تنها نسخه نجات‌بخش است. آموزش‌های تئوریک بدون تشکیل کارگاه‌های مهارتی، سمینارهای مساله‌محور و ورود بی‌واسطه بخش خصوصی به کلاس‌های درس راه به جایی نخواهد برد. وی همچنین با ابراز نگرانی جدی نسبت به خلأ دانشی در جامعه اظهار داشت: موضوع حیاتی دیگر که متأسفانه از آن غفلت شده، ارتقای «سواد گردشگری» است. سواد گردشگری مفهومی گسترده است که نه تنها دانشجویان و کارشناسان، بلکه آحاد جامعه را در بر می‌گیرد. جامعه باید بداند گردشگری چگونه هویت فرهنگی را تقویت و چرخه اقتصاد خرد شهری و روستایی را شکوفا می‌کند. دانشگاه مسئولیت تولید دانش و محتوای بومی را دارد، اما بازاری رسانه‌ای به‌ویژه صداوسیما و رسانه‌های ملی در این سال‌ها عملکرد قابل قبولی نداشته‌اند. امروزه بار آگاهی‌بخشی و توسعه تصویر عمومی گردشگری بیش از رسانه‌های سنتی، بر دوش سامانه‌های برخط اجتماعی، شبکه‌های مجازی و همکاری‌های راهبردی بخش خصوصی افتاده است.

چالش بنیادین «فرهنگ کار» و انگیزه در نسل جوان؛ لزوم بازآفرینی تربیتی

یکی از محورهای برجسته و واقع‌بینانه اظهارات دکتر هاشمی، وضعیت رفتاری و نگرشی فارغ‌التحصیلان هنگام ورود به بازار کار بود. وی با صراحت از بحران انگیزه و ضعف فرهنگ کار سخن گفت و اذعان داشت: ما در دانشگاه علم و فرهنگ به عنوان یک نهاد دانشگاهی با رویکرد کارآفرینی، تفاهم‌نامه‌های متعددی را با تشکل‌های رسمی نظیر اتحادیه هتلداران و صنف دفاتر خدمات مسافرتی منعقد کردیم. بخش خصوصی نیز با روی گشاده مایل بود دانشجویان را جذب کرده و طی دوره‌های کارآموزی دو تا سه‌ماهه، مهارت‌های کاربردی را به آنان منتقل کند.

ادامه در صفحه ۷ کارستان

بوروکراتیک موجود اشاره کرد و گفت: ارزیابی‌ها نشان می‌دهد که سرفصل‌های دروس گردشگری، به‌ویژه در اواخر دهه ۹۰، در دوره‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد دستخوش به‌روزرسانی‌های کارآمدی شدند و عموماً در بازه‌های چهار تا پنج‌ساله بازنگری صورت گرفته است. اما پرسش محوری این است که آیا سرعت این بازنگری‌ها با سرعت سرسام‌آور تحولات جهانی گردشگری همخوانی دارد؟ قطعاً خیر.

وی اضافه کرد: در حال حاضر رویه قانونی وزارت علوم به گونه‌ای است که کلیه اختیارات تصویب و اصلاح دروس باید از کانال شورای برنامه‌ریزی وزارتخانه عبور کند و تنها شمار بسیار اندکی از دانشگاه‌های تراز اول، آزادی عمل بازنگری مستقل را دارا هستند. این تمرکزگرایی باعث می‌شود در شرایطی که صنعت گردشگری روزانه تحت تأثیر گرایش‌های نوظهور، فناوری‌های داده‌محور و مدل‌های جدید بازاریابی تغییر می‌کند، متون آموزشی ما چندین سال از لبه دانش فاصله بگیرند.

این استاد دانشگاه تأکید کرد: تنها راه‌حل این مسئله، واگذاری اختیارات کامل تدوین و به‌روزرسانی محتوای درسی به دانشگاه‌های تخصصی، مجاز دانستن بازنگری‌های دو تا سه‌ساله و ایجاد پل‌های مستقیم تبادل علمی و بین‌المللی با مراکز برتر دنیاست تا شکاف تعاملی شکل گرفته در سال‌های اخیر جبران شود.

ضربات سنگین تکانه‌های ژئوپلیتیکی، کرونا و تحریم بر پیکره اشتغال

در ادامه این گفت‌وگو، هاشمی به آسیب‌شناسی بازار کار در سال‌های پساکرونا و تشدید مناقشات منطقه‌ای پرداخت و ابراز داشت: حقیقت این است که گردشگری همواره نخستین بخشی است که در برابر بحران‌های سیاسی، اقتصادی و تش‌های منطقه‌ای ضربه می‌خورد و آخرین حوزه‌ای است که التیام می‌یابد.

طی ۴ الی ۵ سال اخیر، زنجیره‌ای از وقایع از همه‌گیری کرونا گرفته تا تداوم تحریم‌ها و وقوع بحران‌های نظامی در منطقه، آسیبی مرگبار به فعالان این بخش وارد کرد.

وی افزود: امروز با کمال تأسف شاهد از دست رفتن بخش بزرگی از گردشگری ورودی، به‌ویژه گردشگران اروپایی هستیم. بازار ما در حال حاضر عمدتاً به چند کشور محدود همسایه محدود شده و همین امر عملاً صدها فرصت شغلی تخصصی